

گزارش رئیس هیئت اجرائی حزب به پلنوم چهل و یکم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

صفحه ۲



کارزاری سراسری با خواست حداقل دستمزد دو میلیون تومان

شهلا دانشفر

صفحه ۳



شریعت اسلام : تجاوز قانونی به کودکان

حسن صالحی

صفحه ۴

۱۵۰۰۰ نفر از مردم اهواز دست به اعتراض زدند

صفحه ۵



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۳۶

جمعه ۲۹ آذر ۱۳۹۲، ۲۰ دسامبر ۲۰۱۳

غارتگران حاکم را باید به زیر کشید و تحت پیگرد قرار داد

صفحه ۶

ما صدای اعتراض زنان ایران هستیم!

فتنه "جنبش برای رهایی زن"

صفحه ۱۱

با کمپین قدرتمند علیه آپارتاید جنسی، نماینده دانشگاه‌های انگلیس عقب نشینی کرد

فتنه "جنبش برای رهایی زن"

صفحه ۸

خجالت بکشید و بساط دروغ و ریاکاری تان را جمع کنید!

مینا احدی

صفحه ۱۴

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

گزارش رئیس هیئت اجرائی حزب به پلنوم چهل و یکم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ۷ و ۸ دسامبر ۲۰۱۳



**اصغر کریمی رئیس
هیئت اجرائی حزب**

گزارش عرصه های مختلف فعالیت کتبا برای رفقا ارسال شده است. این گزارش اولاً چکیده این گزارشات و ثانیاً یک ارزیابی فشرده از فعالیت و موقعیت حزب است. روشن است که در مورد برخی فعالیت ها بدلائل امنیتی نمیتوان چندان وارد جزئیات شد، بویژه در مورد فعالیت های داخل کشور حتی رئوس خیلی فعالیت های را هم نمیتوان توضیح داد. در شش ماه گذشته حزب همچنان فعالترین حزب اپوزیسیون در داخل و خارج کشور بوده است و حجم گسترده ای از فعالیت موفق را در عرصه های مختلف به پیش برده و در زمینه هائی پیشروی محسوس داشته است.

در داخل کشور فعالیت ما در این دوره کیفیتاً پیشرفت کرده و برخی رفقا و شبکه های حزبی به سبک کار جدیدی روی آورده و پتانسیل رشد بیشتری از خود نشان داده اند...

در برخی از کانون های مبارزه تلاش ما به تغییراتی در طرح روشن تر مطالبات آنها منجر شده است که این یک پیشروی بسیار قابل توجهی است.

در جنبش کارگری روابط حزب و یا فعالین حزب با تعداد بیشتری از مراکز کارگری

گسترش یافته و فعالیت های موثری انجام شده است. با اکثر اعتراضات قابل توجه و مهم در جنبش کارگری مستقیم یا غیر مستقیم در تماس بوده ایم و روابط ما با آنها تاثیرات محسوس در ارتقاء مبارزه آنها داشته است. اینجا باید به نقش کاناال جدید هم اشاره کرد که بدلیل طیف وسیع بیننده، مرتباً امکانات جدیدی در جنبش کارگری فراهم کرده است و بویژه در روزهای اخیر شاهد حضور وسیعتر کارگران کارخانه ها و مراکز صنعتی در کاناال جدید بودیم. بینندگان کاناال جدید طیف گسترده ای را تشکیل می دهند اما خانواده های کارگری بینندگان پر و پا قرص آن هستند و در سال های اخیر تاثیرات زیادی از این کاناال گرفته و خیلی هایشان به مبلغین این کاناال و مباحث آن تبدیل شده اند.

همانطور که مشاهده میکنید بدلائل امنیتی این گزارش خیلی کلی است. امیدوارم با گزارش شفاهی شهلا دانشفر دبیر کمیته سازمانده حزب تصویر روشن تری از فعالیت های حزب در داخل کشور بگیرید.

در کردستان در پلنوم قبل گفتیم که شاهد پیشرفتی در زمینه دخیل شدن تعداد بیشتری از فعالین حزب در بحث ها و جدل های سیاسی و فعالیت های حزبی هستیم. این روند در این دوره نیز ادامه داشته شده است. در زمینه دخالت در مباحث سیاسی ماکرو مربوط به نقد ناسیونالیسم کرد در منطقه، عراق و ترکیه و سوریه، دخالت ما تاثیرات قابل مشاهده ای در کردستان داشته و بویژه با

استقبال طیفی از فعالین چپ مواجه شده است. برنامه های تلویزیونی کمیته کردستان نیز از نظر حجم گسترش یافته و از نظر محتوا بهتر شده است. یک اقدام خوب کمیته کردستان در این دوره مصاحبه با تعداد قابل توجهی از فعالین کمونیست خارج از حزب بوده است.

این فعالیت ها فضای مناسب تری را در جلب توجه به حزب و اتوریته سیاسی حزب بوجود آورده که باید به گسترش کمپین های سیاسی ما در کردستان ترجمه شود. چیزی که هنوز بعنوان یک نقطه ضعف اصلی در کردستان باید از آن اسم برد. سازماندهی پراتیک اجتماعی ما در کردستان هنوز ضعیف است. فعالیت های کمیته علیه اعدام در این زمینه در کردستان الگوی خوبی بود و نشان داد که اگر کمیته کردستان نیز این جهتگیری را داشت قطعاً فعالیت های بسیار موثرتری شکل میگرفت.

در خارج کشور روی چند نکته باید تاکید گذاشت: در این دوره با سر کار آمدن روحانی و بدنبال آن پروسه مذاکرات اتمی، غرب و مدیای غربی و حتی نهادهائی مانند امنستی در زمینه همان حقوق بشر نیم بند هم سکوت کردند و از این نظر فضای دشوارتری برای فعالیت وجود داشت. اما علیرغم این و علیرغم ضعف های خود ما، تشکیلات خارج حزب فعالترین بخش اپوزیسیون و بطور واقعی محور و ستون اصلی آکسیونها و کمپین های سیاسی بود. علیه اعدام، در دفاع از زندانیان سیاسی، در دفاع از کارگران زندانی، علیه اسلام سیاسی، در عرصه دفاع از حقوق پناهندگی، اینها

مهمترین سنگرهای مبارزه علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور بود که حزب و کادرها و نهادهای نزدیک به حزب در همه این عرصه ها در خط مقدم مبارزه قرار داشتند. از نظر آکسیونی پیشروی ما از جمله این بود که تقریباً در همه کشورها و شهرهائی که حضور داریم حزب یک ستون اصلی اعتراض است. اینرا مشخصاً در زمینه اعتراض علیه اعدام میشد مشاهده کرد. موارد دیگری از شروع توجه بیشتر و نزدیکی بیشتر به حزب را نیز میتوان مشاهده کرد و اینها شاخصی از شرایط مناسبی است که حزب برای گسترش فعالیت هایش در خارج بدست آورده است.

در عرصه مبارزه با اسلام سیاسی فعالیت های زیادی در این فاصله صورت گرفته که مشخصاً به فعالیت های مینا احدی و فعالیت های فشرده مریم نمازی گره خورده است. واحدهای اکس مسلم نیز در این دوره کشورهای بیشتری شکل گرفته و ابعاد فعالیت را بیشتر کرده است.

نکته سوم و اصلی کماکان شکل دادن به یک رهبری قوی در خارج کشور است که هر روز و در همه کشورها بتواند حضور داشته باشد، از فرصت ها و به کمک واحدها استفاده کند، از نظر سیاسی و نقد و جدل جریانات دیگر نقش ایفا کند و کلاً حزب را در خارج کشور نمایندگی کند. طرحی در این زمینه برای رفقا ارسال شده است که باید در پلنوم به سرانجام برسد.

کانال جدید:

کانال جدید در همان روزهای پلنوم چهارم در ابتدای ماه ژوئن امسال برنامه های ۲۴ ساعته خود را شروع کرد و از آنجا که این کانالی معتبر و جا افتاده و شناخته شده در ایران است بسرعت بینندگان خود را بازیافت. برنامه های پخش مستقیم کانال جدید نشان میدهد که در سراسر کشور بیننده داریم و در فضای سیاسی جامعه و فرهنگ و تفکر سیاسی بینندگان نقش محسوس و قابل توجهی داریم. این پیشروی را قدم به قدم میتوان نشان داد. اکنون به وضوح همراهی مردم را با مجریان کانال جدید در زمینه مقابله با جمهوری اسلامی، علیه مذهب، علیه اعدام و در زمینه های مختلف سیاسی شاهد هستیم. در مورد حزب نیز داریم تلاش میکنیم که بینندگان صریح و روشن از حزب دفاع کنند، امر خود بدانند و این به یک مساله عمومی تر در تلویزیون تبدیل شود. علاوه در این دوره تلاش متمرکزتری برای جا انداختن مطالبات و فرموله تر کردن مردم بر سر خواستههایشان انجام شده است.

برنامه های لایو در این دوره از نظر کیفی بدرجاتی بهبود یافته است و رابطه مردم با برنامه ها نزدیک تر و سیاسی تر شده است. با اینهمه کار بیشتری توسط خود مجریان باید صورت گیرد و آمادگی در اجرای برنامه ها باید افزایش یابد.

از نظر سازمانی در این دوره شاهد بهبودی محسوس در کانال جدید بودیم. رفقای بیشتری بطور روزمره در هدایت

کارزاری سراسری با خواست حداقل دستمزد دو میلیون تومان

شهلا دانشفر

جنبش برای خواست افزایش دستمزدها، ابعاد گسترده تری پیدا کرده است. کارگران شرکت‌های پتروشیمی ماهشهر با خواست حداقل دستمزد دو میلیون تومان، این جنبش را گام مهمی به جلو برده اند. اتحادیه آزاد کارگران ایران، مبتکر به راه افتادن طوماری با ۴۰ هزار امضا بر سر این خواست با پشتیبانی از این حرکت کل کارگران برای اعتراضی سراسری بر سر این خواست، فراخوانده است. اکنون دیگر ما با کارزاری بر سر خواست افزایش دستمزدها و با خواست روشنی چون افزایش دستمزد در گام اول یک میلیون تومان روبرویم. باید با تمام قوا به این کارزار بپیوندم.

کمیته مزد جمهوری اسلامی تشکیل شده است. بحث‌های پشت پرده در جریان است. اما به راه افتادن کارزاری که هم اکنون در میان کارگران بر سر خواست افزایش دستمزدها جاریست و اعلام حداقل دستمزد دو میلیون تومان بطور واقعی عبور کردن از کمیته مزد رژیم اسلامی است. کارگران قبلا در بیانیه و در طومارهایشان اعلام داشتند که شورای عالی کار و کمیته مزد را بعنوان مرجع تعیین دستمزد به رسمیت نمی‌شناسند. اعلام داشتند که اجازه نمیدهند که از بالای سر آن بر سر نرخ فروش نیروی کار آنان چانه زنی شود و اعلام داشتند که دستمزد ما کارگران باید توسط نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگری تعیین شود. اکنون کارگران خودشان با عدد و رقم قدم جلو گذاشته و کارزاری را به راه انداخته اند که از پتروشیمی ماهشهر، یک مرکز کلیدی کارگری با هزاران

کارگر شروع شده است.

خواست افزایش دستمزد، پرچم متحد کننده مبارزات بخش عظیمی از جامعه است. خواست کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و همه بخش‌های مزد بگیر جامعه است. همین الان مراکزی چون پلی اکریل اصفهان با ۱۵۰۰ کارگر، و نیز ۴ هزار کارگری بر نیشکر هفت تپه و نیشکر کشت و صنعت کارون یک خواست مهمشان افزایش دستمزدهایشان است. کارگران ذوب آهن اصفهان یک بند بیانیه شان در سال گذشته خواست افزایش دستمزدها بوده است. به راه افتادن کارزار بر سر خواست حداقل دو میلیون تومان، نشانگر ظرفیت اجتماعی و گسترده این جنبش اعتراضی است و فرصتی است برای به جلو آمدن همه بخش‌های جامعه بر سر این خواست و شکل دادن به اعتراضی سراسری علیه فقر و فلاکت و رفتن بسوی اعتصابات سراسری در کل جامعه.

کانون عالی شوراهای

اسلامی و دستمزد کارگران

اکنون که بحث بر سر خواست افزایش دستمزدها داغ است، نهادهایی چون کانون عالی شوراهای اسلامی و کانون عالی انجمن‌های صنفی، این تشکلهای دست ساز حکومتی به عنوان یک پای سه جانبه گری مسخره رژیم، دوباره به تحرك افتاده اند. آنها بنا بر سنت همیشه دارند بازارگرایی میکنند تا زمینه را برای تعرضی دیگر به زندگی و معیشت کارگران فراهم سازند. یک تلاش مهم اینها همیشه این بوده است که هم در کشاکش‌های درون حکومت برای خود

جا و مکانی جستجو کنند و هم با پیش کشیدن بحث‌هایی بر سر خط فقر و خط بقا و غیره سطح توقع کارگر را پایین نگاهداشته و فضای اعتراض در میان کارگران را عقب زنند. نکته جالب اینجاست که اینان امسال از در دیگری وارد ماجرا شده اند و عملاً زیر کل ماجرا زده اند. از جمله اولیا علی بیگی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی گستاخانه میگوید: "کارگران معتقد به افزایش دستمزدها نیستند اگر دولت تضمین کند قدرت خرید آنان حفظ می‌شود، جلوی تورم افسارگسیخته و سقوط ارزش پول ملی که با زندگی و معیشت آنان مستقیماً در ارتباط است گرفته می‌شود."

او این شروط را بعنوان سه پیش شرط توقف افزایش مزد ۹۳ اعلام میکند. سخنان اولیا علی بیگی در واقع در راستای همان انجماد طرح بودجه دولت روحانی قرار دارد. از جمله طرح بودجه دولت روحانی اساس بر تقویت نیروهای سرکوب و دستگاههای خرافه و دم و دستگاه مجلس و شورای نگهبان و کل نظام سرکوب و جنایت رژیم اسلامی است و در آن کارگران و کل مردم جایی ندارند.

روشن است که تبلیغاتی از نوع گفته‌های اولیا علی بیگی و دارو دسته‌هایشان در میان کارگران جایی ندارد و نفس اینکه امروز کارگران با کارزار دو میلیون تومان حداقل دستمزد به جلو آمده اند، در واقع جواب گستاخی‌های کانون عالی شوراهای اسلامی و این نهادهای دولت ساخته نیز هست.

جناب اولیا علی بیگی با این سه پیشنهاد، خود را به

نفهمی زده و به روی خود نمی‌آورد که حتی اگر قیمت‌ها اضافه نشود و همه چیز در وضعیت فعلی ثابت بماند، همین دستمزد ۴۸۷ هزار تومان باز سه برابر زیر همان خط فقریست که خود دولت از آن سخن میگوید و چند بار کمتر از خط فقر واقعی حاکم بر جامعه است. او با زندگی آخوندانه مبارزات همین یکساله کارگران بر سر خواست افزایش سطح دستمزدها و از جمله طوماری با ۴۰ هزار امضا بر سر این موضوع را آگاهانه ندیده میگیرد و با توسل به استدلال قدیمی و نخ نمایی که افزایش دستمزد کارگران را عامل رشد تورم در جامعه میدانند، میکوشد تا بلکه کارگری که دادش از گرانی و رشد سرسام آور تورم بلند شده است را از خواستش عقب براند.

پوچی چنین استدلالی با نگاهی به همین برنامه بودجه ای که دولت روحانی ارائه داده و ظاهراً میخواهد به نظر خواهی نیز گذاشته شود، عیان و آشکار است. در طرح بودجه دولت از افزایش ۵۰ درصدی بودجه ارتش، افزایش ۳۰ درصدی بودجه سپاه پاسداران و افزایش ۹ هزار میلیارد تومانی نیروی انتظامی حرف سخن در میان است و ظاهراً به زعم جناب اولیا علی بیگی و دارو دسته‌هایش چینیان ارقامی از پول در بازار ربطی به بالا رفتن نرخ تورم ندارد، اما وقتی صحبت از افزایش دستمزد کارگر به میان می‌آید فوراً دادشان بلند میشود که تورم بالا میگیرد و هزار گونه شرط و شروط به میان میکشند تا مبادا دستمزد کارگر افزایشی پیدا کند. اگر چه خود با چشمان ناباورشان شاهد رشد هر روزه اعتراضات کارگری بر سر خواست افزایش دستمزدها هستند و همه ترس و وحشتشان و اینکه به بودجه نیروهای سرکوبگرشان اضافه کرده اند، نیز از همین اعتراضات و چشم اندازش است. اینها همه گوشه دیگری از بن بست رژیم اسلامی

است که با دارو دسته‌هایشان به چنین خزعبلاتی روی آورده اند.

دزدی‌های میلیاردی و دستمزد کارگران

میگویند صندوق دولت خالیست و یک قلم دزدی اخیرشان ۸۷ میلیارد یورو است که تحت عنوان پولشویی در ترکیه به خبر داغ رسانه‌ها تبدیل شده است. یک دزدی کلان و باورنکردنی که بطور واقعی بودجه یکسال یک مملکت است. داستان امپراطوری مالی خامنه‌ای ولی فقیه‌شان را هم که بالغ بر ۹۵ میلیارد دلار آن بخش ثروت رو شده ایشان است را هم همه شنیده اند. ولی آنوقت که کارگر از افزایش دستمزد سخن میگوید، وقتی بازنشسته از بیمه درمان رایگان برای همگان سخن میگوید، وقتی مردم از تحصیل رایگان و بیمه بیکاری و دیگر نیازهایشان سخن میگویند، پول نیست. این جانیان و در پناهشان کارفرمایان مفتخور حتی همان مزد ماهانه کارگر را ماهها نمی‌پردازند و فقر و فلاکتی بیسابقه را بر کرده کارگران و کل جامعه تحمیل کرده اند. روشن است که کارگران این وضعیت را نمی‌پذیرند و نباید بپذیرند. روشن است که پاسخ همه این دزدی‌ها و شانه بالا انداختن‌ها در قبال زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه مبارزه ای سراسری بر سر خواست هایمان و برای یک زندگی ای انسانی است.

حداقل دستمزد دو میلیون

تومان در قدم اول

حداقل دستمزد دو میلیون تومان در قدم اول، گامی برای سازماندهی اعتراضی اجتماعی علیه فقر و فلاکت است. حداقل دستمزد دو میلیون تومان خواست نه تنها کارگران بلکه همه بخش‌های مزد بگیر جامعه است. کارگران دو سال پیش اعلام کردند که حتی با دو میلیون تومان دستمزد نیز نمیتوان زندگی کرد و امروز

شریعت اسلام : تجاوز قانونی به کودکان

حسن صالحی

برخی اخبار رسیده از ایران حاکی از آن است که بدنبال مصوبه قانونی کردن ازدواج با فرزند خوانده تعداد متقاضیان فرزند خواندگی برای کودکان دختر کاهش یافته است.

این دور از انتظار نبود. هدف از پذیرفتن یک فرزند برای کسانی که به هر دلیلی نمی توانند صاحب فرزند شوند و یا فرزند دیگری می خواهند، جواب به یک نیاز انسانی است. انگیزه برای مردم عشق و علاقه داشتن به یک موجود نازنین و در عین حال گرفتن کودکان بی سرپرست در حلقه مهر و محبت انسانی است.

زمانی که زیننه های اسلامی در مجلس اسلامی و شورای نگهبان با تصویب قانون ازدواج با فرزند خوانده پنجه های کثیف خود را برای تجاوز به کودکان دراز می کنند، می خواهند صورت مساله را تغییر دهند. آنها تعبیر دیگری از سرپرستی کودکان بی سرپرست ارائه می دهند. همان یک اصلاحیه این قانون کافیست که اهداف شوم آنها را بر ملا سازد.

هدف انسانیت نیست. هدف سوء استفاده جنسی از کودکان است. هدف این است که شما کسی را به فرزند خواندگی بپذیری تا فردا او را به برده جنسی تبدیل کنی. نفس اشاعه این نگرش ضد انسانی در جامعه تولید نگرانی می کند. خانواده های فرزند پذیر دست به عصا می شوند. عده ای پیش خود فکر می کنند که مبادا مرد خانواده فردا به فکر ازدواج با فرزند خوانده دختر بیافتد؟ به این فکر می کنند که در این صورت سرنوشت آن خانواده چه خواهد شد؟ نگرانی ها بالا می گیرد. و بدین ترتیب میزان

متقاضیان برای پذیرش کودکان دختر بعنوان فرزند کاهش می یابد. و طبیعی ست که این به نوبه خود آینده شوم تری را برای دختر بچه های بی سرپرست رقم می زند. اگر مردم شریف و انسان دوست این کودکان را به فرزند نپذیرند آنگاه عده ای اسلامی چشم طمع کرده پا پیش بگذارند و "سرپرستی" آنها را به عهده بگیرند. و یا اینکه در مراکز نگهداری سازمان بهزیستی باقی بمانند و آنجا نیز هر چه زودتر و در سنین پایین مجبور به ازدواج شوند. گناه این موجودات معصوم این است که دختر و تحت حاکمیت اسلام زاده شده اند.

در اسلام فرزند خواندگی ممنوع است. در قران و سوره احزاب آمده است: "خداوند برای هیچکس دو قلب در درون وجودش نیافریده" و این یعنی اینکه شما نمی توانید فرزند بیولوژیک خود و کودکی را که به فرزند پذیرفته اید به یکسان دوست داشته باشید. زشت، تبعیض آمیز و کریه است. خانه اسلام از پای بست ظالمانه است. در نظام حقوقی اسلام، نسب منحصر از طریق آنچه "ولادت مشروع" نام گذاشته شده، ایجاد می شود، بنابراین فرزندخواندگی باعث ایجاد نسب قراردادی نمی شود. شما می توانید تحت شرایط معینی سرپرستی کودکان بدون سرپرست را بر عهده بگیرید ولی از همان اول میان فرزند "تنی" و "تانتی" دیوار بلندی کشیده می شود. کودک تحت سرپرستی مثل کودکی که در خانواده بدنیا آمده حق ارث ندارد. در ضمن باید به شناسنامه اش الصاق شود که او اصل نیست، فرع است.

سرپرست نباید فراموش کند که او سرپرستی کودکی "بیگانه" را بر عهده گرفته است. "اگر پسر باشد مانند پسران بیگانه و اگر دختر باشد هم مانند دختران نامحرم خواهد بود." و بالاخره طبق قانون تازه ازدواج با فرزند خوانده با اجازه دادگاه و مشورت سازمان بهزیستی چه در زمان حضانة و چه در بعد از آن مجاز و قانونی می شود.

وقتی قانون ضد انسانی اخیر با اعتراض عمومی مردم روبرو شد برخی از زیننه های اسلامی گفتند که این قانون ربطی به کودکان ندارد و در اصل برای دوران بزرگسالی و بعد از ۱۸ سالگی فرزندخوانده ها تصویب شده است. امیرحسین قاضی زاده عضو کمیسیون اجتماعی مجلس در این باره به خبرگزاری مهر می گوید: "فرزندخوانده تا سن بلوغ، فرزند خانواده ای است که سرپرستی او را پذیرفته است و سپس مستقل است و می تواند از آن خانواده جدا شود و بین مسائل حقوقی و شرعی خانواده با سرپرست خود تفاوت وجود دارد". ولی همه می دانند که اینها فقط توجیهات و ریاکاری اسلامی است. چرا که بر اساس قانون جمهوری اسلامی سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال است. طبق قوانین اسلامی دختران ۵ سال زودتر از ۱۸ سالگی می توانند ازدواج کنند و بر اساس قانون جدید پدر خوانده در فاصله ی بین ۱۳ سالگی تا ۱۸ سالگی می تواند دخترش را به عقد خودش دربیورد.

همه می دانند که جمهوری اسلامی و کشورهایی که قوانین اسلامی حاکم است، تنها در این کشورهاست که عروس با

عروسک به خانه "بخت" می رود. دختر بچه هایی که بجای بازی و تفریح و مدرسه به خانه شوهر رانده می شوند تا آنجا بطور سیستماتیک مورد تجاوز جنسی قرار گیرند. خودشان می گویند که ۸۰۰ هزار کودک ایرانی بین ۱۰ تا ۱۸ سال ازدواج کرده اند. تنها در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و حکومتهایی نظیر آن است که کودک همسر و سپس مادر می شود. تنها در ایران جمهوری اسلامی است که کودک کودک نیست و حقوقش بعنوان کودک برسمیت شناخته نمی شود.

جمهوری اسلامی این بساط ظلم و ستمگری علیه کودکان را تحت عنوان رفت و ثواب به جامعه معرفی می کند. این ثواب و رفت ارزانی خودشان باد. ما اینها را نخواستیم و نه فقط این بلکه باید در مقابل این کودک ستیزی هر چه وسیعتر قد علم کنیم. در همان کشوری های به اصطلاح نامسلمان که می گویند جامعه ایران را مورد هجوم فرهنگی قرار داده اند، صد بار اراج و قرب کودک بالاتر است. مدرسه کودک سر جایش است و از دو میلیون کودکی که امسال در ایران برای مدرسه

ثبت نام نکردند خبری نیست. در همین کشورها کودک خیابانی و کارتن خواب وجود ندارد. در کشورهای مدارس کودکان به سیستم های حرارتی ایمن مجهز هستند و مثل ایران نایمن نیستند و کودکان در مدارس طعمه آتش نمی شوند. در این کشورها کار حرفه ایی کودکان ممنوع است و یک میلیون و نیم کودک کار وجود ندارد. در کشورهای غربی تنبیه بدنی و فشار و آزار روانی و ارباب کودکان ممنوع است و مثل ایران فقط در نیمه اول سال ۱۳۹۲، ۴۴ درصد کودکان تنبیه بدنی نمی شوند. در این

کشورها کودکان حق دارند از طریق تلفن مستقیم راسا کمترین آزار جسمی نسبت به خود را گزارش دهند و جامعه بلافاصله دخالت می کند و در ایران خود دولت کودکان را اعدام و نفله می کند. در این کشورها محیط سبز و قشنگ با امکانات خوب برای بازی بچه ها در هر محله ای وجود دارد و مثل بیشتر کودکان ایران در خاک و خل بازی نمی کنند. در کشورهای غربی سوء استفاده جنسی از کودکان مجازات سنگین قانونی دارد و در ایران قانون با دست و دل بازی تجاوز جنسی به کودکان را رواج می دهد. در کشورهای اروپایی کودکان صرفنظر از اینکه در خانواده و یا خارج از آن بدنیا آمده باشند و از حقوق قانونی برابر برخوردار هستند و در ایران فرزند خوانده موجودی بیگانه و بی حقوق تر از کودک زاده شده در خانواده است...

اگر در اروپا و کشورهای پیشرفته دنیا جامعه به چنین دستاوردهای خوبی برای رشد و تعالی کودکان دست یافته است، این شمره مبارزات کارگری و مردمی است که این حقوق را به دولتها تحمیل کرده اند.

خوشبختانه در ایران نیز یک جنبش قوی دفاع از حقوق کودکان وجود دارد که در جریان تصویب قانونی ازدواج با فرزند خوانده خودش را یکبار دیگر نشان داد. این جنبش می تواند با حمایت همه مردم آزادیخواه که فرهنگ و ارزشهایشان با جمهوری اسلامی تماما متفاوت است، به عامل اصلی تغییر مثبت در زندگی کودکان ایران تبدیل شود. لازم است با جدیت تمام برای بهبود فوری زندگی کودکان در ایران کوشید و با بزیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی رفاه و سعادت کودکان را تضمین کرد.*

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

۱۵۰۰۰ نفر از مردم اهواز دست به اعتراض زدند

تحریم نیز وجود خود این حکومت است.

جمهوری اسلامی مسبب مستقیم و اصلی همه مصائبی است که امروز مردم خوزستان و مردم در سراسر کشور دارند. آلودگی هوا در نقاط مختلف کشور و انتقال بی رویه آب کارون و برخی دیگر از رودخانه ها بخشی از کارنامه حکومتی است که سرانش مشغول دزدی و ارگانهایش مشغول سرکوب مردمند. ادامه این حکومت یعنی از هم پاشیدن شیرازه جامعه، یعنی کشاندن زندگی اکثریت مردم به مرز گرسنگی، یعنی اعتیاد و تن فروشی میلیونی، بیحقوقی و ناامنی و ترک تحصیل میلیونی کودکان و هزار مصیبت دیگر.

مبارزه علیه آلودگی هوا و معضلات مربوط به رودخانه ها و نداشتن آب سالم و سایر مسائل مربوط به محیط زیست باید بطور متحدانه از اهواز تا سنندج و از سیستان و بلوچستان تا ارومیه و اصفهان و تهران و سایر نقاط کشور گسترش یابد. این بخشی از مبارزه علیه حکومتی است که هست و نیست مردم را به گروگان گرفته است. جمهوری اسلامی باید برود. زنده باد اتحاد مبارزاتی مردم اهواز!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ آذر ۱۳۹۲
۲۰ دسامبر ۲۰۱۳



بنا به خبرهای رسیده روز پنجشنبه ۲۸ آذر (۱۹ دسامبر) جمعیتی بالغ بر ۱۵ هزار نفر در کنار رود کارون در منطقه امانیه حد فاصل پل کابلی و پل سفید زنجیره انسانی تشکیل دادند، شعار دادند و اعتراض خود را از اوضاع کنونی اعلام کردند. زنجیره انسانی دیروز در اعتراض به آلودگی هوا، انتقال بی رویه آب کارون، خشک شدن هورالعظیم، توهین استاندار اصفهان به مردم خوزستان و چهارمحال بختیاری، کاهش شدید بودجه خوزستان در دولت روحانی، بیکاری و دیگر مشکلات مردم این استان صورت گرفت و از ساعت چهار تا شش بعدازظهر بطول انجامید.

این چندمین تجمع اعتراضی مردم اهواز در ماههای گذشته است. یک نکته قابل توجه در این اعتراضات اتحاد مستحکمی است که میان مردم عرب زبان و فارس زبان وجود دارد. اکثریت مردم خوزستان علاوه بر فقر و



از صفحه ۳

کارزاری سراسری با خواست حداقل دستمزد دو میلیون تومان

موضوعات را به بحث گذاشت و بر سر آن قطعنامه داد و خواست حداقل دستمزد دو میلیون تومان را به پرچم مبارزات خود تبدیل کرد. همچنین انتظار میرود که معلمان، پرستاران، کارگران بازنشسته و در همه جا با بیانیه های حمایتی از این خواست و صدور قطعنامه های خود به این حرکت و اعتراض بپیوندند. کارزار بر سر حداقل دستمزد دو میلیون تومان پاسخی است به بودجه سرکوب رژیم اسلامی برای سال ۹۳ و به یوازه گویی های شوراها و اسلامی. کارزار بر سر حداقل دستمزد دو میلیون تومان همچنین گامی است برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری کارگری برای پایان دادن به جهنم رژیم اسلامی. در سطحی سراسری حول این خواست متحد شویم.*

سطح تورم و قمیت اجناس به مراتب بالاتر رفته است. ولی به گفته خود کارگران اعلام این خواست يك حداقل و در گام اول است. برداشتن این گام و تحقق آن بدون شك کارگر و کل جامعه را در موقعیت متحد تر و قوی تری قرار میدهد و امکان میدهد با خواستهای دیگرشان به جلو بیاید. اهمیت این کارزار بویژه در این است که پرچم آن از میان خود کارگران برافراشته شده است و گرد آمدن حول آن بستری است برای اعتراضات سراسری کارگری که با قدرت نه تنها میتوان این خواست را به کرسی نشاند، بلکه به داستان پدیده دستمزدهای پرداخت نشده نیز خاتمه داد. میتوان این خواست را در هر تجمع و اعتراضی بدست گرفت. میتوان در تمام کارخانجات و مراکز کارگری این

بیانیه حزب کمونیست کارگری درمورد دزدی ۸۷ میلیارد یورویی غارتگران حاکم را باید به زیر کشید و تحت پیگرد قرار داد

میتوان معضل مسکن را حل کرد، میتوان مردم را از فقر و فلاکت و محرومیت خلاص نمود، میتوان میلیونها جوان به اعتیاد کشیده شده را مداوا نمود و انبوه زنان تن فروش را از این وضعیت جهنمی نجات داد، میتوان مشکل آلودگی هوا و کمبود آب مردم را حل کرد و جامعه ای مرفه پایه ریزی نمود. این حاکمیت يك مشت غارتگر بر این جامعه است که اکثریت کارگران و مردم را به نان شب محتاج کرده است. بسیاری را به کلیه فروشی واداشته و بسیاری از زنان را به تن فروشی رانده است. بسیاری از کودکان و جوانان را به کارتون خوابی کشانده است و میلیونها کودک را از تحصیل محروم کرده است. باید به این جهنم و حکومت يك مشت دزد و تبهکار پایان داد.

حزب کمونیست کارگری ایران پیگیری کیفی خواست کارگران و مردم ایران علیه حاکمین دزد اسلامی را وظیفه خود میداند. تلاش ما اینست که مراجع بین المللی را به دفاع از حقوق پایمال شده مردم ایران و پیگیری غارتها و عظیم آنها بکشانیم. ما همه مردم را به اعتراض گسترده به سران حکومت و متحد شدن برای هرچه زودتر سرنگون کردن چپاولگران حاکم فرا میخوانیم. ما همه سازمانهای سیاسی را به تلاش برای به جریان انداختن يك کارزار بین المللی علیه چپاول دارایی های مردم و پیگرد دزدان حاکم و بیرون کشیدن دارایی های عمومی از حلقوم آنها فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری

ایران

۲۹ آذر ۱۳۹۲

۲۰ دسامبر ۲۰۱۳

است. و این در شرایطی است که برای رفع ساده ترین نیازهای مردم ادعا میکنند خزانه دولت خالی است.

افشای این غارتها و نجومی چند هفته پس از افشای امپراطوری عظیم مالی خامنه ای توسط خبرنگاری رویترز صورت میگردد که نشان میدهد علاوه بر پولهای عظیم در خارج کشور، ثروتها و در داخل ایران به بیش از ۹۵ میلیارد دلار بالغ میشود و کارخانه ها و شرکتها و ساختمانها و معادن و مستغلات زیادی را در سراسر ایران شامل میشود. خبرهای پی در پی در رسانه های جمهوری اسلامی نیز حاکی از دزدیهای کلانی است که در سازمان تامین اجتماعی توسط دولت احمدی نژاد و باند سعید مرتضوی صورت گرفته است. طرف مقابل نیز تهدید کرده است که اگر قوه قضائیه جرات کند دادگاهی در ارتباط با این دزدیها تشکیل دهد، صحنه دادگاه را به محل افشای دزدیهای سران بالای حکومت، از جمله خود سران قوه قضائیه و تعداد کثیری از نمایندگان مجلس تبدیل خواهد کرد. به این دزدی ها باید افشاگری های پالیزدار را اضافه کرد که لیست بلند بالایی از تقریباً تمام آیت اله های جمهوری اسلامی را همراه با سند و مدرک اسم برده بود که بیلیون ها دلار از ثروت این مملکت را مصادره و در اختیار خود و آقا زاده هایشان قرار داده اند.

داستان دزدیهای آیت الله ها و مقامات و تجار وابسته به حاکمین، داستانی بی انتهایست. با این پولها میتوان به میلیونها بیکار بیمه بیکاری مکفی پرداخت کرد، میتوان درمان و تحصیل را کاملاً رایگان کرد،

چپاول و غارت ثروتها و عمومی توسط سران حکومت اسلامی يك رکورد تاریخی را نشان میدهد. هر بار ارقام عظیم تری از چپاولها به صدر اخبار می آید. آخرین خبرهایی که این روزها منتشر شده گویای يك پروژه عظیم انتقال پول و طلا از ایران به ترکیه و روسیه از سال ۸۸ به بعد است.

پلیس ترکیه افشا کرده است که يك تاجر ایرانی بنام رضا ضراب که با بابک زنجانی از سرمایه داران وابسته به حکومت مرتبط بوده است، سالها مشغول انتقال پولهای بسیار کلان و کامیونهای حامل شمشهای طلا از ایران به ترکیه و از آنجا به دوی و روسیه بوده است. سخن از حداقل ۸۷ میلیارد یورو (معادل ۱۲۰ میلیارد دلار) پول و چندین تن شمش طلاست. و این تنها يك گوشه از چپاول سران حکومت است که به دلیل مانع تحریمها و انتقال غیر قانونی به ترکیه و روسیه رو شده است. برای پولشویی این همه دزدی، همین تاجر ایرانی بیش از ۱۵۰ میلیون یورو رشوه به وزرای دولت اردوغان و آقا زاده هایشان و روسای بانکهای ترکیه پرداخت کرده است، به نحوی که این مساله به يك بحران سیاسی در ترکیه تبدیل شده است.

روشن است که خارج کردن چنین حجمی از پول و طلا از کشور بدون همکاری و مشارکت تعدادی از مقامات و ارگانهای بالای حکومت اسلامی عملی نیست. هیچکس نمیداند که طی همین سالها یعنی از سال ۸۸ تا کنون بطور "قانونی" و "غیر قانونی" چه میزان از ثروتها و عمومی این کشور از جانب سران و آقا زاده های حکومت و سرمایه داران وابسته به حکومت به کشورهای دیگر انتقال یافته

**حزب کمونیست کارگری حزب کسانی است
که میخواهند جامعه و دنیای بهتری
بسازند!**

**حزب کسانی که حاکمیت يك اقلیت
مفتخور و بی خاصیت یعنی طبقه سرمایه
دار را غیر عادلانه و ضد انسانی
میدانند!**

**این حزب حزب کارگران و مردمی است که
مصممند به دیکتاتوری و بهره کشی
سرمایه داران از تولید کنندگان ثروتها
اجتماعی برای همیشه پایان دهند. حزب
انقلاب انسانی برای جامعه ای برابر و
انسانی!**

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

از صفحه ۴

گزارش رئیس هیئت اجرائی حزب به پلنوم چهل و یکم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

کانال جدید و رفع نواقص آن دارند نقش ایفا میکنند و همکاران بیشتری مسئولیت بعده گرفته اند. با اینهمه کانال جدید اگر بخواهد تصویری شود، برنامه های متنوع داشته باشد، تولید که الان خیلی کم است افزایش یابد، برنامه ها زنده تر باشد و از یکنواختی خارج شود به همکاران خیلی بیشتری نیاز دارد. از جمله برای موزیک و فیلم تا سرگرمی و کلیپ و تهیه گزارش در شهرهای مختلف و یا تولید کننده برای میزگرد و مصاحبه و همینطور کادر فنی برای کار در استودیوها و مخصوصا رفقائی که مثل جمیل فرزاد همه چم و خم کارها را بدانند، در همه این عرصه ها نیاز به همکاران بیشتر است.

کماکان تصویری شدن کانال جدید، متحرک تر شدن آن، تنوع و ارتقای کیفیت فنی و محتوایی برنامه ها باید در دستور ما باشد. این مهمترین کانال تماس با جامعه است و باید بیش از این به فکر صرف نیرو برای آن باشیم.

نشریات و مدیای اجتماعی:

در زمینه نشریات به شیوه ای روتین فعالیت ها ادامه یافته و نشریات انترناسیونال، ایسکرا، کارگر کمونیست و جوانان منظم منتشر شده است. نشریه تنوریک کمونیسم کارگری مدتی است منتشر نشده است.

در زمینه مدیای اجتماعی پیشرفت بسیار کمی داشته ایم که اصلا جوابگو نیست. سازمان جوانان مستثنی است و مراجعه به سایتهای آن بالا است. بحث های خوب و راهگشائی در حاشیه پلنوم قبل و بعدا در هیئت اجرائی در زمینه مدیای اجتماعی داشتیم

های مختلف ناشی از يك دیدگاه بسیار سیاسی و طبقاتی، غیر فرقه ای به معنی عمیق کلمه، سبک نسبتا اجتماعی ما در این فعالیت ها، و ناشی از نوع معینی از کمونیسم، کمونیسم سیاسی، است. حضور فعال ما نیز ناشی از همین دیدگاه است و اینها اولا تفاوت قابل توجه ما را با بقیه چپ حتی حزب کمونیست ایران و حکمتیست ها ایجاد کرده و هم موجب حضور فعال تر حزب در صحنه سیاسی جامعه شده است. این نگرش در عین حال در عمل و نظر روی بخشی از چپ تاثیرات محسوسی باقی گذاشته و دیدگاهشان را بدرجات به ما نزدیک تر کرده است. این برای هژمونی کل چپ در مقیاس وسیع آن ضروری است.

همینجا این نکته را نیز اضافه کنم که تلاش آگاهانه و نقشه مند برای جذب فعالین سیاسی کمونیست که تعدادشان هم در ایران بسیار زیاد است باید بخشی از کار ما باشد. یعنی تلاش کنیم روی دیدگاههای آنها تاثیر بگذاریم و حقانیت دیدگاههای خود را در میان آنها جابیندازیم و این طیف وسیع را هژمونی کنیم. هرچند فضای بخشی از اینها طیف سنتی است اما ما قدرت این را داریم.

در زمینه مالی هزینه های حزب نسبت به قبل بدلیل تلویزیون ۲۴ ساعته بیشتر شده در حالیکه منابع درآمد ما تغییری نکرده است و به همین دلیل شروع به گرفتن وام کرده ایم. امکانات زیادی در کشورهای مختلف هست که

لازم است با سازمان بهتری سراغ آنها برویم تا هم از پس هزینه های جاری برآئیم و هم با قوی تر کردن بنیه مالی حزب بتوانیم پروژه های بیشتری در دستور قرار بدهیم و نیروی حرفه ای بیشتری آزاد کنیم. قراری نیز در این زمینه به پلنوم ارائه شده و امیدوارم بعد از پلنوم شاهد کار فشرده و موثرتری در زمینه مالی داشته باشیم.

بعنوان یک جمع بندی:

مجموعه فعالیتی که مستقیما توسط واحدهای حزب و یا نهادها و کمپین های نزدیک به حزب انجام شده است، نشانه بارزی است که حزب در مقایسه با هر جریان اپوزیسیونی فعالیت بسیار وسیعتری داشته است و باعث شده است که حزب در مقایسه با سایر جریانات اپوزیسیون يك قدم جلوتر برود. اما علیرغم این و علیرغم وجود کانال جدید با تعداد بیننده زیاد اما نمیتوان احساس رضایت کرد. با اینهمه فعالیت، اینهمه جنبه های مثبت در مقایسه با هر جریان اپوزیسیون دیگر و با توجه به اوضاع سیاسی و بحران جمهوری اسلامی و شناخته شده بودن حزب، باید پیشروی خیلی بیشتری میداشتیم. يك مشکل مهم این است که ما هنوز شکل و شمایل حزبی برای کسب قدرت را نداریم و این کمبود را باید بسرعت برطرف کنیم. این بحث مهمی است که باید در مرکز ثقل توجه ما قرار گیرد و سرخ های مهمی از مباحثی که در سال های گذشته داشته ایم را به جانی برسانیم. مشکل از فعالیت ها نیست. همه فعالیت ها درخشان

بوده اند. در حجم بالائی و با تلاش صدها نفر از فعالین حزب و بعضا منحصر بفرد. اشکال از چهارچوبی است که فعالیت ها در آن انجام میشود. ما نیاز مداوم به پروژه هائی داریم که ایمیج حزبی برای کسب قدرت را به جامعه بدهد. نه فقط حزبی خوب و مدافع مردم. نه فقط حزبی با تحلیل ها و تفسیرهای درست و خوب. این شامل پروژه هائی که حزب را به میان مردم میبرد، پروژه هائی که موقعیت حزب را در اپوزیسیون و رسانه ها تقویت میکنند، ایمیجی که از رهبران حزب داده میشود، تصویری که هرروز از حزب میدهیم، نوع فراخوان ها، فعالیت هائی که مستقیما به تحکیم اعتماد مردم نسبت به حزب منجر میشود، تعداد رهبران و چهره هائی که مقابل جامعه قرار میدهیم، تلاشی که برای تکثیر بیشتر چهره های حزب میکنیم، در اشلی که ظاهر میشویم، نسبت به سوژه ها و مسائلی که عکس العمل نشان میدهیم، و دهها نوع فعالیت مشابه میشود. به يك معنی يك فکوس دائم روی حزب و تصویری که مردم، اپوزیسیون، و حتی صفوف حزب از حزب میگیرند. به سرانجام رساندن بحث اصالت پراتیک و تبدیل آن به انواع پروژه ها و سازماندهی های بزرگ و اجتماعی موفق از جمله اقدام مهم دیگر ما در این دوره باید باشد. امیدوارم در پلنوم این بحث پا بخورد و منشاء تغییرات بزرگی در راستای تبدیل حزب به يك حزب سیاسی بزرگ و موثر شود.*

ضمیمه انترناسیونال ۵۳۶ منتشر میشود:

حزب در عرصه قدرت سیاسی

سخنرانی حمید تقوایی در پلنوم ۴۱ کمیته

مرکزی حزب کمونیست کارگری

حضور فعال ما در جنبش

segregation, This Week, 12 December 2013

A future labour government will 'not tolerate gender segregation at our universities', Left Foot Forward, 12 December 2013

Outcry at 'gender apartheid' in new guidance for UK universities, The Independent, 11 December 2013

University gender segregation 'violation of women's freedom', BBC, 11 December 2013

Backlash grows over university gender segregation guidelines, Daily Telegraph, 11 December 2013

Gender Apartheid is real in UK universities so why aren't more people fighting it? Daily Telegraph, 11 December 2013

'We will fight them like the suffragettes': Protesters target Universities UK over sex segregation policy, Politics, 11 December 2013

The segregation of women and the appeasement of bigotry at UK universities, The Spectator, 11 December 2013

Sex apartheid in British universities deemed acceptable, Voice of Russia, 11 December 2013

Gender Segregation protests against university guidelines, Channel 4 News, 10 December 2013

Why we are protesting against gender segregation this evening, Left Foot Forward, 10 December 2013

Sex segregation at university debates is not okay, Care2, 30 November 2013

Should Britain ban the niqab? Channel 4 thought.tv, 27 November 2013

Leaving the Faith, BBC Radio 4, 27 November 2013

British Universities shouldn't condone this kind of gender segregation, The Guardian CfF, 26 November 2013



پیش رفت و با چنان عکس العمل وسیعی در جامعه و در رسانه ها مواجه شد که به فاصله کوتاهی پس از برگزاری این تجمع اعتراضی، دیوید کامرون نخست وزیر بریتانیا دخالت و به نفع ممانعت از جداسازی جنسیتی موضع گیری کرد و UUK مجبور به پس گرفتن رهنمود خود شد، اما UUK همچنان امیدوار است آنرا با نگرارش متفاوتی، که اجازه «جداسازی داوطلبانه» را بدهد، مجددا صادر کند.

این کمپین تا لغو کامل این تصمیم در هر شکل آن ادامه خواهد یافت، ما هر نوع سازشی با جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی را محکوم میکنیم و با تمام قوا در مقابل آن میایستیم. همه مدافعان برابری و مخالفین قوانین شریعه را به همراهی و تقویت این کمپین فرامیخوانیم. فتنه- جنبش آزادی زن ۱۴ دسامبر ۲۰۱۳

Fitnah - Movement for Women's Liberation One Law for All maryamma-mazie@gmail.com 077 1916 6731

بخشی از انعکاس خبر این تجمع اعتراضی در رسانه ها را ملاحظه میکنید:

Segregation by gender has no place in the public realm, The Guardian Comment is Free, 15 December 2013

On sex segregation, BBC World Service, 14 December 2013

Gender segregation guidelines u-turn following PM warning, Channel 4 News, 13 December 2013

Universities pull back from sex segregation as Cameron weighs in, Daily Telegraph, 13 December 2013

Sexual apartheid: Is there any room for gender

با کمپین قدرتمند علیه آپارتاید جنسی، نماینده دانشگاههای انگلیس عقب نشینی کرد

تواند با رعایت برابری انجام شود، و جداسازی هرگز چیزی نیست که در مورد افراد برابر اعمال شود. پس از انتشار این نامه طوماری نیز در محکومیت آپارتاید جنسی به گردش درآمد که تا کنون بیش از ۹۰۰۰ نفر آنرا امضا کرده اند:

https://secure.avaaz.org/en/petition/Universities_UK_Rescind_endorsement_of_sex_segregation_at_UK_Universities/

در این گردهمایی مریم نمازی، سازمانده این آکسیون اعتراضی و سخنگوی فتنه و قانون برابر برای همه، ضمن سخنانی گفت: «در حالیکه حق هر کس به داشتن هر باوری محترم است، هیچکس نمی تواند آنرا در جایی که به حال دیگران مضر است به اجرا درآورد و یا به دیگران تحمیل کند، بخصوص در محل و فضای عمومی مانند دانشگاه. همچنین باید بیاد داشت که مسلمانان گروه همگنی نیستند (بسیاری از آنها مخالف آپارتاید جنسی اند) و جداسازی جنسیتی يك مطالبه جنبش راست افراطی اسلام سیاسی است. طنز تلخی در این واقعیت نهفته است که در حالیکه آپارتاید جنسی در سراسر دنیا، منجمله از جانب بسیاری از "مسلمانان" در خاور میانه و شمال آفریقا، به چالش کشیده شده، UUK در این کشور بر آن مهر تایید می زند. UUK باید رهنمود خود را فوراً باطل اعلام کند».

کمدین کیت سمدارویت (Kate Smutherwaite) در سخنان خود گفت: «کلمه برابری فقط يك معنی دارد. معنی برابری نه در ته اتویوس نشستن است و نه در کنار سالن سخنرانی و جدا از جنس مخالف نشستن».

کمپین اعتراضی این اقدام ارتجاعی UUK چنان با قدرت



روز دهم دسامبر ۲۰۱۳، مصادف با روز جهانی حقوق بشر، بیش از صد معترض در مقابل دفتر تعیین و هماهنگی سیاست های داخلی دانشگاه های بریتانیا Universities UK - UUK در لندن تجمع کردند. هدف از این گردهمایی اعتراضی محکوم کردن مهر تاییدی بود که این دفتر بر جداسازی جنسیتی در جلسات سخنرانی سخنرانان دعوت شده از خارج دانشگاه ها زده و به این ترتیب برابری جنسی را به نحو شنیعی نقض کرده است. این تجمع اعتراضی از سوی فتنه - جنبش برای رهائی زن، "قانون برابر برای همه" و "جمعیت آنتیست ها و سکولاریست های مدرسه اقتصاد لندن (ال اس ای)" سازمان داده شده بود. این گردهمایی اعتراضی در واکنش به رهنمود صادر شده از سوی UUK برگزار شد که در آن گفته شده سخنرانان دانشگاه ها حق دارند خواستار جدا

کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند

ملاقات نمایندگان کمیته همبستگی بین المللی با کارگران - ایران و کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با مسئول حقوق بشر وزارت امور خارجه سوئد

کار آمدن روحانی بیش از سیصد نفر اعدام شده و فشارها در زندانها تشدید شده است و حتماً اخبار آنها نیز به گوشتان رسیده است. او تأکید کرد که تقاضای ما این است که دولت سوئد حکومت ایران را بخاطر نقض آشکار حقوق انسانی کارگران و کل مردم باید زیر فشار بگذارد و خواستار آزادی فوری کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان و معالجه فوری زندانیان سیاسی بیمار شود.

در پایان این نشست از سوی فرامرز قربانی و مهین علیپور اسامی هفتاد نفر از زندانیان سیاسی و کارگران زندانی که جانشان در خطر است جهت پیگیری در اختیار مسئول حقوق بشر وزارت امور خارجه سوئد قرار داده شد. آقای هیلدینگ لوندکویست گفت که در نشست آتی با هیئت ایران که در ژنو برگزار خواهد شد حتماً وضع این هفتاد نفر زندانی را مطرح خواهند کرد و خواستار رسیدگی به وضع آنها خواهند شد.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری - ایران
شهلا دانشفر سخنگوی کمیته
Shahla_daneshfar@yahoo.com
ناصر شیشه گر مسئول کمیته همبستگی در سوئد
فرامرز قربانی نماینده کمیته همبستگی بین المللی کارگری در سوئد
۲۹ آذر ۱۳۹۲
۲۰ دسامبر ۲۰۱۳

کرد که با روی کار آمدن دولت روحانی اوضاع رو به بهبود بگذارد.
فرامرز قربانی با اعلام تعجب خود از این ابراز امیدواری در پاسخ به ایشان گفت که دولت روحانی نیز مثل دولتهای قبلی رژیم اسلامی



است و شما و دولتهای دیگر نبایست به او امیدی ببینید. در دوران ریاست جمهوری خاتمی بود که ترورهای زنجیره ای صورت گرفت و تعداد زیادی از فعالین سیاسی و نویسندگان و فعالین دانشجویی زندانی شده و زیر شکنجه قرار گرفتند. باید بدانید که جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست. سرکوبگر کارگران و مردم است. از جمله در همین چند ماهه روی

قرار خواهد بود. در این نشست مهین علیپور نیز توضیح داد که محروم کردن زندانیان از دارو و درمان از سوی رژیم سیستماتیک و هدفمند جهت از بین بردن زندانیان و اعدام خاموش آنها میباشد. وی از دولت سوئد خواست که مسئله

نقض حقوق بشر در ایران و وضعیت این زندانیان را در ملاقاتهایشان با رژیم در ایران مطرح کند و به آنها جهت مهیا کردن امکانات پزشکی و درمانی برای زندانیان فشار بیاورد.
پس از این توضیحات آقای لوندکویست از وضع کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران ابراز تأسف نمود و اظهار داشت که دولت سوئد از وضعیت زندانها و وضعیت آزادی بیان و همچنین از اعدامهایی که در ایران صورت میگیرد با خبر است. وی گفت که میدانیم که رئیس جمهور و وزیر امور خارجه ایران دارای صفحه تویتر هستند در حالی که شهروندان حق استفاده از این رسانه ها را ندارند. ایشان ابراز امیدواری

سازمانیابی مبارزات کارگران و کل مردم را بگیرد. حتی در زندانها زیر فشار شکنجه تلاش میکند تا از زندانیان سیاسی علیه خود اعتراف ها کاذب بگیرد و این اعترافات را سندی برای محکومیت های سنگین برای آنها قرار دهد. در این

ملاقات فرامرز قربانی وضعیت جسمی و خیم این فعالین کارگری زندانی را تشریح کرد و اینکه حکومت اسلامی عامدانه امکانات درمانی برای آنها فراهم نمیکند، به آنها حتی مرخصی استعلاجی نمیدهد و اینها همه بخشی از شکنجه و فشارهای آن بر روی زندانیان سیاسی و خانواده هایشان است. با همین روش است که ما در زندانهای رژیم اسلامی شاهد مرگ خاموش زندانیان سیاسی هستیم. او افشین اسانلو فعال کارگری را مثال آورد که چگونه در زندان جان باخت. در آخر نیز بر این تأکید گذاشت که تا وقتی که دولتها و نهادهای بین المللی بر روی رژیم اسلامی فشار نگذارند، وضع از همین

روز چهارشنبه هجدهم دسامبر ۲۰۱۳ (۲۷ آذر) مهین علیپور نماینده کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران و فرامرز قربانی نماینده کمیته همبستگی بین المللی با کارگران - ایران با آقای هیلدینگ لوندکویست Hilding Lundqvist مسئول حقوق بشر وزارت امور خارجه سوئد دیدار کردند. این دیدار در ادامه کمپینی که از سوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تحت عنوان "نگذارید قلبشان از تپش باز ایستد" در حمایت از زندانیان سیاسی محروم از دارو و درمان در جریان است، انجام گرفت. در این ملاقات فرامرز قربانی و مهین علیپور از وضعیت کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در بند و بویژه محرومیت آنان از دارو و درمان و مرگ خاموش آنان در زندانهای رژیم اسلامی سخن گفته و خواستار فشاری بین المللی برای آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان از زندان و قرار گرفتن زندانیان سیاسی بیمار تحت درمان و معالجه شدند.

در این ملاقات فرامرز قربانی در مورد وضع کارگران زندانی بیمار در زندانهای جمهوری اسلامی صحبت کرد و با ذکر نمونه هایی نظیر رسول بداغی، بهنام ابراهیم زاده، رضا شهابی، شاهرخ زمانی و محمد جراحی توضیح داد که این فعالین کارگری بخاطر مبارزاتشان در دفاع از حقوق کارگر و برای داشتن يك زندگي انسانی توسط حکومت اسلامی دستگیر و شکنجه و زندانی شده اند. او توضیح داد که چگونه رژیم اسلامی کارگران و زندانیان سیاسی را زیر فشار قرار میدهد تا آنها را از پیگیری خواستها و مطالباتشان عقب بزند و جلوی

International Committee Against Stoning
(<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution
(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com

0049-177-569-2413

فراخوان به اعتراض یک عدد چادر برای خانم تاریا کرونبِرگ، از طریق سفارتخانه های فنلاند

مینا احدی



Photo: Mohsen Norouzfard

در مقابل دوربین اعلام کنید که به عنوان یک زن در ایران چه بلاهایی سر شما آوردند، بدلیل عدم رعایت حجاب، بگویید که از این رفتار سیاستمداران اروپایی منجر هستید و این مامشات با حکومت اسلامی و حجاب بر سر کردن نمایندگان اتحادیه اروپا را محکوم میکنید.

از این حرکت اعتراضی که بسیار راحت است و با چند نفر قابل اجرا است، فیلم بگیرید و در رسانه های اجتماعی آنرا علنی کنید. به رسانه های کشور محل اقامت خودتان خبر دهید و سعی کنید از حق زنان در ایران دفاع کنید و صدای اعتراض زنانی که قهرمانانه علیه حجاب اجباری مبارزه میکنند، را در دنیا منعکس کنید!

مینا احدی

۱۷ دسامبر ۲۰۱۳

ایشان رئیس هیئتی است که از طرف اتحادیه اروپا به ایران رفته اند. دو زن دیگر عضو هیئت نیز، با حجاب کامل در تهران رفت و آمد میکنند. در اینجا تاریا کرونبِرگ سرپرست این هیئت را در یک نشست با جلادان و جانوران اسلامی، با رعایت کامل حجاب ملاحظه می کنید. سیاستمداران اتحادیه اروپا با این کرنش چندی آور در مقابل جمهوری ضد زن اسلامی، در عمل به میلیونها زن در ایران که علیه این حکومت و علیه حجاب اجباری و قوانین زن ستیز آن مبارزه میکنند، دهن کجی میکنند.

روز جمعه ۲۰ دسامبر ۲۰۱۳ در همه جای جهان، به سفارت خانه ها و کنسولگریهای دولت فنلاند مراجعه کنید، یک عدد چادر (حجاب برتر) جمهوری اسلامی را برای تاریا کرونبِرگ ارسال کنید و در آنجا

ما صدای اعتراض زنان ایران هستیم!

یکی از مسئولین حزب چپ در استان نورد راین وستفالن در یک گفتگوی تلفنی با مینا احدی در محل دفتر حزب چپ گفت که آنها در این مورد یک اطلاعیه علنی خواهند داد و آنرا برای ما ارسال خواهند کرد. لینک دو کلیپ از این ملاقات:

<http://youtu.be/ehpqmi5D1JE>
<http://youtu.be/TmkeE1HFq2s>

فتنه "جنبش برای رهایی زن"
۲۰ دسامبر ۲۰۱۳

به سکوت و مامشات نمایندگان پارلمان اروپا در مقابل جنایات حکومت اسلامی و بویژه اعدامها، در دفتر این حزب حضور داشتیم.

در این نشست یک چادر به مقامات حزب چپ تحویل داده شد و به آنها گفتیم که ما صدای اعتراض زنان ایران هستیم. زنان در ایران سی و چهار سال است که با تمام وجود علیه قانون حجاب اجباری و علیه آپارتاید جنسیتی در ایران مبارزه میکنند.



آلمان کورنیلیا ارنست بود. ایشان نماینده پارلمان اروپا از فراکسیون چپها است و جزو هیئتی بود که در ایران بودند. ما در اعتراض به حجاب بر سر کردن این زنان و در اعتراض

از جمله زنانی که در هیئت اتحادیه اروپا در ایران در هفته گذشته حجاب بر سر کرده و در ملاقاتها با مقامات جنایتکار حکومت اسلامی حضور داشت، نماینده پارلمان از حزب چپ

صبح روز جمعه ۲۰ دسامبر، در مرکز شهر کلن در آلمان هیئتی شامل جمیله میرکی، مهین درویش روحانی، احمد رحمانی و مینا احدی با مسئولین حزب چپ در آلمان دیدار کردند.

در مقابل جلادان کرنش میکنند و با روسری بر سر و با تائید آپارتاید جنسیتی در ایران از حقوق بشر! حرف میزنند!



در محل دانشگاه دانشگاه اقتصاد در لندن (LSE) در مورد این مسائل بحث خواهیم کرد. ما همچنین در مورد جنبش زنان در مجلس لردهای انگلیس و در مورد قانون شریعه، سکولاریزم و برقع در برایتون، سیلزبری و نیویورک صحبت خواهیم کرد.

برای اطلاعات بیشتر:
<http://www.onelawforall.org.uk/category/events/>
در چند ماه گذشته، ما در جهت جلب توجه و حمایت و بیداری افکار عمومی نسبت به دادگاههای شریعه به تاون بریج ولز، بوستون، ادینبورگ، ماریس، منچستر، لستر، دوبلین و ساتن مسافرت کرده ایم. همچنین اخیراً، مریم نمازی بخاطر مبارزه برای حقوق زنان و وبلاگ نویسی به عنوان روزنامه گار برجسته سال ۲۰۱۳ انتخاب شد.

جشنواره شور و شوق برای آزادی

در طول روزهای دوم تا نهم نوامبر ۲۰۱۳، "قانون برابر برای همه" و جشنواره هنری "شور و شوق برای آزادی" پنجمین جشنواره هنری را برگزار خواهند کرد که در آن هنرمندان منتخب کارهایشان را به نمایش خواهند گذاشت. قاضیان اهدا کننده جوایز آندا روتنبرگ، سارا مپل، دیاه و نیک کوهن خواهند بود.

برای اطلاعات بیشتر در این زمینه میتوانید به سایت زیر مراجعه کنید:

<http://www.passionforfreedom.co.uk/>

Maryam Namazie
Spokesperson
One Law for All
BM Box 2387, London
WC1N 3XX, UK
tel: +44 (0) 7719166731
email: onelawforall@gmail.com
web: <http://www.onelawforall.org.uk/>

این گزارش ادامه تحقیقاتی است که در سال ۲۰۱۳ توسط "سندی تایمز" انجام شد و در آن مشخص شد که امامانی در بریتانیا حاضر بودند که کودکان خردسال ۱۲ ساله را ازدواج بدهند و در گزارشی دیگر معلوم شد که حداقل ۳۰ دختر بچه، و بعضاً از ۹ سالگی، تحت قوانین شریعه در یکی از مناطق لندن ازدواج کرده بودند.

در سال ۲۰۱۱، ۴۰۰ کودک به ازدواج اجباری درآمدند که یکی از آنان فقط ۵ سال داشت. بر خلاف شواهد روزافزون و بیم اینکه هزاران کودک در بریتانیا به بهانه تعطیلات تابستانی به خارج برده شده و در معرض ازدواج اجباری قرار گیرند، هیچ تعقیب قضایی صورت نگرفته است. بر اساس گفته های جاسوندر سانگرا نسبت به این موضوع به دلیل بی بصیرتی و "حساسیت فرهنگی" پوشش گذاشته شده و بنابراین مانع از هر گونه اقدام در جهت حمایت واقعی از کودکان شده است.

"قانون برابر برای همه" خواستار تعقیب قضایی امامها، قاضیان دادگاههای شریعه و تمامی کسانی که مجری ازدواج با کودکان و ازدواجهای اجباری هستند میباشد. نمیتوان فقط به تکذیب دادگاهها و مساجد در قبال خطاکاریشان، فریفتن عموم با مغلطه اسلامی و اجرای تحقیقات داخلی برای مدتی که آنها تحت بررسی عمومی هستند بسنده کرد. اگر ما خواهان حمایت از تمامی کودکان هستیم باید آنها را به کودکان زیادی را به خشونت دائم، تجاوز و اذیت و آزار محکوم میکنیم، تحت تعقیب قضایی قرار دهیم.

برنامه های دیگر:

در بحث مجدد در مورد برقع و نقاب، ما در تاریخ ۱۵ اکتبر

قانون برابر برای همه

اکتبر ۲۰۱۳

اولاً، اجازه بدهید با یک خبر خوب آغاز کنیم. ما بسیار خوشحالیم اعلام کنیم که "حقوق انسانی برای همه" برای دفاع از برابری حقوقی شهروندان در کشور ترکیه تأسیس می شود. این گروه به "قانون برابر برای همه" میپیوندد. ما منتظر همکاری نزدیک و دائم با دوستان سکولار در ترکیه و منطقه هستیم.

دو روز کنفرانس بین المللی

"قانون برابر برای همه" و "فتنه، جنبش دفاع از حقوق زنان" به منظور تقویت جبهه بین المللی سکولاریسم، در حال سازماندهی دو روز کنفرانس بین المللی طی روزهای ۱۱ و ۱۲ اکتبر ۲۰۱۴ در لندن هستند. سخنرانان سرشناسی برای مباحثه و تبادل نظر در مورد بهار عربی، شریعه و قوانین مذهبی، برقع و سمبلهای آشکار مذهبی، آزادی بیان و "اسلام هراسی"، مدارس دینی و آموزش مذهبی و موضوعات دیگر در این کنفرانس شرکت خواهند داشت. لطفاً تاریخ کنفرانس را در دفتر روزانه خود ثبت و بلیط خود را هر چه زودتر تهیه کنید تا از مزایای بلیط ارزان بهره مند شوید. اطلاعات بیشتر را میتوانید از اینجا بگیرید:

<http://www.onelawforall.org.uk/2014-conference-religious-right-secularism-and-civil-rights/>

ازدواج با کودکان

در برنامه ای مستند از کانال آی تی وی افشا شد که ۱۸ تن از امامان مساجد حاضر بودند که دختران ۱۵ ساله را ازدواج بدهند علیرغم اینکه میدانستند ازدواج با کودکان با قوانین بریتانیا مغایرت دارد.

این هیئت در ایران بود، به دستور برادر لاریجانی و با تایید کل نظام حداقل ۲۳ نفر اعدام شدند. ایرج نصیری یکی از اعدام شدگان بود که از ۶ سال پیش در زندان بود به هنگام وقوع جرم کمتر از ۱۵ سال سن داشته است.*

در مقابل سران یکی از جنایتکارترین حکومتها سر خم میکنند و در پرونده سیاسی خود یک لکه ننگ پاک نشدنی برجا میگذارند. به این عکس نگاه کنید ایزابل دوران در مقابل علی لاریجانی که همچون فاتحان اینجا ایستاده کرنش میکند. فقط در فاصله یک هفته که

مردم!

اگر میخواهید از فقر و محرومیت و حسرت خلاص شوید،

اگر میخواهید بساط جنایت و اعدام برای همیشه برچیده شود،

اگر میخواهید تحقیر و تبعیض و آپارتاید جنسی علیه زنان،

این سنت توحش اسلامی و عهد عتیقی از صحنه جامعه برچیده شود، اگر از زندان و سرکوب و خفقان به جان آمده اید،

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید

حزبی که انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی و

برپایی

جامعه ای آزاد، شاد و مرفه و انسانی فلسفه وجودیش را

میسازد

نامه ای با بغض و وحشت برای هیئت پارلمان اروپا به دادمان برسید، قرار است ۳۹ نفر را در عادل آباد اعدام کنند!

سلولهایم همه یخ خواهند زد. به کجا متوسل شوم . شاید شما هم فرزندی دارید و شاید میتوانید فقط يك ثانيه حال مادران و پدران ما را تصور کنید و حال خودمان را؟؟؟ به شما میگویم لطفا در مورد این همه اعدام در زندان ما حرفی بزنید فقط در زندان عادل آباد اعلام کرده اند که ۳۹ نفر را همین هفته و همین روزها خواهند کشت، آیا اسم من هم در این لیست هست؟؟؟ ای داد و بیداد! امضا محفوظ بازتکثیر از کمیته بین المللی علیه اعدام سه شنبه ۱۷ دسامبر ۲۰۱۳

پیش در این زندان مخفیانه و یواشکی ۳ نفر را اعدام کردند. یکی از آنها زن و بچه داشت. من اسم دو نفر را که جوان بودند، میدانم مهران تالی و یدالله شراری هر دو جوان بودند. من شنیده ام که فردا یعنی چهارشنبه قرار است اینجا دسته جمعی اعدام کنند. من شنیدم اسم ۳۹ نفر را نوشته اند که بزودی اعدام میکنند، ای وای آیا اسم من هم در بین این ۳۹ نفر هست؟ مرگ بسیار تلخ است، مرگی بدین بی حرمتی و دردناک و از قبل خبر داده شده بسیار وحشتناک است. من مطمئن هستم اگر بمن بگویند اسم من هم در این لیست ۳۹ نفره هست، در جا میخکوب خواهم شد و

شوم، من از مرگ وحشت دارم، من نمیخواهم اسامی در این لیست سیاه قرار بگیرد، من نمیدانم به کجا متوسل شوم، میخواهم زنده بمانم، آیا شما نمیتوانید کاری بکنید؟ خانمها و آقایان محترم، من از زندان مخوف عادل آباد شیراز با شما حرف میزنم. از روز شنبه یعنی سه روز

شده و مثل مرده ها بمن نگاه میکنند. امروز مسئولین زندان يك کاغذ در دستشان بود و میگفتند اسم ۳۹ نفر را نوشته اند، میگویند همین روزها این ۳۹ نفر را اعدام میکنیم. آیا از پشت این دیوار و در سالنهای دیدارهای رسمی که با مقامات دارید، این صدا را میتوانید بشنوید، من نمیخواهم اعدام

الان روبرویم پسر جوانی به اسم نعمت پراکنده نشسته که از وقتی شنیده فردا چهارشنبه اعدامش میکنند، دیگر لال شده و نمیتواند حرف بزند. او در يك گوشه چمباتمه زده و زل زده به ما و هیچ نمیگوید. بعضی وقتها فکر میکنم دارم يك فیلم ترسناک می بینم. ولی نه! نعمت واقعی است و از وحشت لال و کر

کشتار دسته جمعی کارگران در خانقین



گروه و جریان مرتجعی صورت گرفته باشد، حاکمان فعلی در عراق مسئول مستقیم این جنایت هستند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری این عمل وحشیانه را محکوم می کند و بر این باور است که پایان دادن به جهنمی که توسط احزاب مرتجع حاکم در عراق بوجود آمده است تنها با مبارزه متشکل و توده ای برای ایجاد حکومتی مبتنی بر آزادی و رفاه و سکولاریسم ممکن است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ دسامبر ۲۰۱۳

گروهی مسئولیت این عمل جنایتکارانه را برعهده نگرفته است.

از زمانیکه حکومت مالکی به کمک دولت آمریکا سکان امور را بدست گرفته است نا امنی و گرفتن جان انسانها در عراق به امری روزمره تبدیل شده است. بر بستر سیاست نظم نوین جهانی کشور عراق به قتلگاه شهروندان تبدیل شده است. حکومت عراق در جنوب و حکومت احزاب ناسیونالیست کرد در شمال و در همپیمانی با جریانات اسلامی بیش از دو دهه است زندگی مردم را به تباهی کشانیده اند. کشتار دسته جمعی کارگران ایرانی و عراقی توسط هر

بنا به اخبار منتشر شده روز جمعه ۱۳ دسامبر ۱۵ کارگر ایرانی و ۳ کارگر عراقی توسط يك گروه مسلح در نزدیکی خانقین بطرز وحشیانه ای به رگبار بسته شده و جان باختند. ۵ کارگر ایرانی و ۲ کارگر دیگر عراقی نیز طی این حمله زخمی شدند.

یکی از کارگران زخمی شده به خبرنگاری رویترز گفته است در حالی که او با همکارانش در حال کار روی خط لوله بود، سه ماشین به سرعت به طرفشان آمده، سه نفر از سرنشینان از يك ماشین پیاده شدند و شروع به تیراندازی به سوی کارگرانی کردند که بیرون و داخل شیار لوله بودند. تا کنون هیچ

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید
از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد
پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال ویز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و
آشنایانتان اطلاع دهید.

نامه سرگشاده مینا احدی به فرناندا لیما حمله کنندگان به شما، فرهنگ مردم ایران را نمایندگی نمی‌کردند، آنها فرهنگ مردسالارانه و لمپنیسم اسلامی را نمایندگی کردند.



به سر زنان میکوبیدند و میلیونها زن را بدلیل عدم رعایت حجاب زندانی کرده و یا شلاق زده اند. من در برزیل قلبهای مهربانی را دیدم که به سرنوشت سکینه محمدی آشتیانی زن ایرانی محکوم به سنگسار بسیار علاقه نشان داده و در هر سخنرانی من در این مورد صدها نفر اشک ریخته و رفتار زن ستیزانه جمهوری اسلامی ایران را محکوم کرده و تقاضای همکاری با کمیته بین المللی علیه سنگسار را میکردند.

میخواهم تاکید کنم که در ایران دو فرهنگ در مقابل هم ایستاده اند. یک فرهنگ دیگر هم در ایران هست، فرهنگ مدرن و انسانی، فرهنگ احترام به انسان و احترام به زن، فرهنگ برابری و آزادمنشی و رعایت حقوق فردی و اجتماعی و خصوصی زنان، این فرهنگ با نبرد و مبارزه به حکومت تحمیل میشود. ما زنان در ایران با شلاق خوردن و پاشیده شدن اسید به صورتان، با زندان و شکنجه و اعدام و سنگسار دست و پنجه نرم کرده و کماکان از حقوق خودمان دفاع کرده ایم. لطفا وقتی از درسهای این واقعه دردناک و این توهینهای مضمّن کننده که برای شما پیش آمده، حرف میزنید یک نکته را در نظر بگیرید هر تصمیم شما باید به ما زنان کمک کند و نه بر عکس. درخواست ما از شما اینست کوتاه نیابید همانگونه که ما بیش از ۳۴ سال است که در مقابل حکومت ضد زن و فرهنگ لپنی اسلامی آن کوتاه نیامده ایم. برایتان آرزوی موفقیت و بهروزی دارم.

مینا احدی

۱۳ دسامبر ۲۰۱۳ کلن

نگیرید. در انتخاب لباس خودتان در برنامه بعدی اصلا و ابدا تحت تاثیر این فضای شانتاژ که به نفع جنبش اسلامی و سنگسار کنندگان زنان و قوانین ضد زن اسلامی است، به پوشیدن لباس دیگر و رعایت فرهنگ اسلامی نرسید، این بدترین درس از این واقعه و کاملا به ضرر زنان در ایران است.

خانم لیما گرامی!

در ایران دو فرهنگ در مقابل هم ایستاده اند، فرهنگ حذف و سانسور زنان، فرهنگ تحمیل حجاب به زنان، این فرهنگ با قوانین ضد زن تکمیل میشود، حجاب اجباری، جدا سازی جنسیتی، نداشتن حق طلاق و دهها و دهها قانون ضد زن و همچنین سنگسار زنان در صورت اتهام داشتن رابطه جنسی خارج از ازدواج.

من تا کنون سه بار به برزیل آمده و در کنفرانسهای متعددی سخنرانی کرده ام، من در عمل دیده ام که بسیاری از مردم برزیل و همچنین زنان برزیل نمیدانند زنان در ایران حق طلاق ندارند، نمیدانند تا کنون حداقل ۵۰۰ زن در ایران در طول ۳۵ سال سنگسار شده اند و نمیدانند در ایران چادر و حجاب را با پونز

لباس پوشیدن میلیونها زن دولت و قوانین اسلامی تصمیم میگیرند و این نوع لباس پوشیدن و حجاب را با زنجیر و شلاق و فحاشی و بی حرمتی به زنان تحمیل میکنند. اما جهت اطلاع شما میلیونها زن در ایران بر خلاف این فرهنگ پوسیده اسلامی، این مقررات را با بجان خریدن خطرات فراوان، زیر پا گذاشته و بسیاری از آنها در جشن و عروسی و مراسم های خانوادگی درست شبیه به شما لباس میپوشند و بنابراین اعتراضات به شما از سوی این مردم نبوده و نیست و این نوع لباس پوشیدن توهین به فرهنگ هیچیک از ما در ایران نیست. طبع این نوع فرهنگ و احترام به زن و تصمیم او در نوع لباسش، به مذاق حکومت اسلامی خوش نمی آید و بهمین دلیل هم در ایران تلویزیون رسمی حکومت شما را سانسور میکند و عکس و حرف شما را وقیحانه حذف میکنند، اگر توهینی انجام گرفته از آنطرف است بدلیل حذف شما از کل برنامه و اگر اعتراضی باید بشود، باید به این امر اعتراض شود.

انتخاب لباس برنامه توپ طلا آن را در نظر خواهم داشت تا همه بتوانند آن را تماشا کنند." من بعنوان یک زن که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بدلیل زن بودنم، بسیاری از این نوع توهین ها و رفتار و فرهنگ و اخلاقیات بیشمارانه ضد زن را تجربه کرده ام، به شما میگویم فرهنگ زن ستیزی و توهین و بی احترامی به زنان، فرهنگ مردم ایران نیست. این فرهنگ رسمی دولتی در ایران است و طبعاً هوادارانی نیز در جامعه دارد. اما بدلیل اینکه در ایران سی و پنج سال است زنان را سرکوب میکنند و رسماً و علناً آنها را نیمه انسان خطاب کرده و هر روز از رسانه هایشان علیه زنان لجن پراکنی میکنند، اتفاقاً میلیونها نفر زن و مرد مخالف این فرهنگ بوده و در زندگی خصوصی خود و در روابط معمولی بین زن و مرد، فرهنگ دیگری را پیاده میکنند. شما به فرهنگ و مردم ایران هیچ توهینی نکرده اید. لباس پوشیدن و نوع لباس امری است مربوط به هر فرد و اتفاقاً در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، که حکومتش ضد زن است، همه چیز در آنجا برای زنان قدغن است، حتی در مورد

خانم فرناندا لیما گرامی! چند روزی است که موضوع کامنت های توهین آمیز و تهدیدات زشت تعدادی در صفحه فیس بوکی شما، موضوع مورد توجه رسانه های بین المللی و همچنین موضوع مورد توجه بسیاری از ما ایرانیان قرار گرفته است، در مورد شما بعنوان یک زن که مورد حمله سکسیستی و بیشمارانه تعدادی قرار گرفته اید، باید اضافه کنم که ما زنان که زهر زندگی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را چشیده ایم، بسیار حساس بودیم و در بسیاری از سایتها و رسانه ها این رفتار را تعداد زیادی از ما زنان و مردان معترض محکوم کردیم. امروز دیدم که نوشته اید که از ماجرا درس آموختید و در سایت رادیو فرانسه خواندم که گفته اید:

"من به هیچ وجه قصد نداشتم هیچ کشور، فرهنگ و یا مردمی را به هر شکلی مورد حمله و بی احترامی قرار دهم. من به هیچ وجه قصد نداشتم باعث نوعی از جنجال و یا رفتار خجالت آور شوم. من اطمینان می دهم که این اتفاق را به عنوان یک درس یاد خواهم گرفت و در

خجالت بکشید و بساط دروغ و ریاکاری تان را جمع کنید!

پاسخ مینا احدی به سخنان مرضیه افخم سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی

قطعنامه و گروه‌های تروریستی بدنام و وابسته ندارد.

این هم حرف همه سران و ارادل و اوباش اسلامی از روز قدرت گرفتن این حکومت منحوس در ایران بوده است. خمینی جلاد رهبرتان با همین ادبیات حرف زد و دستور قتل هزاران جوان و نوجوان را داد و پاسداران وحشی آنزمان سبعمانه در میدانهای تیر دسته جمعی صدها نفر را تیرباران کردند و به کودکان دختر ۱۳ ساله قبل از اعدام تجاوز هم کردند و سپس از خانواده ها تقاضای پول و شیرینی کردند.

این کنه حکومتی است که در ایران ۳۴ سال است جنایت میکند و می چاید و اکنون نقش به شما واگذار شده که از این کشتی در هم ریخته به نوعی با شامورتی بازی دفاع کنید. اما از من قبول کنید قیافه شما امروز دلیل مبارزات مردم و بی آبرویی مطلق حکومت تان نزد مردم، بیشتر رقت آور است تا تهدید آمیز.

به شما و همه اعوان و انصار حکومت فاشیست اسلامی قول میدهم که دیر یا زود این بساط را جمع خواهیم کرد و آن موقع میخواهم کسی مثل شما جرات کند و در جمع مردم از حکومت و اعمال و کردار امروزتان دفاع کند!

مینا احدی

۱۹ دسامبر ۲۰۱۳



دیروز چهارشنبه بود که مادر و همسر يك زندانی سیاسی، پیمان عارفی دلیل تبعید شدنش به يك زندان دیگر در راه بازگشت از زندان به محل زندگی خود تصادف کردند و هر دو متأسفانه از دست رفتند. يك خواست همه زندانیان اینست که اقلاً بگذارید در شهر خودمان در زندان باشیم و تبعیدمان نکنید آیا این درخواست زیادی است؟ و شما درست همان روز با قیافه ای حق به جانب اخم کرده و ابرو در هم میکشید که چرا نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کرده اند. قاتلین این دو نفر هم حکومت شما است چه دلیل تبعید زندانیان و چه دلیل مفتخوری و بی کفایتی حکومت اسلامی تان بدلیل عدم رسیدگی به ایمنی وسائط نقلیه و جاده ها. می فرمایید: "کلیت قطعنامه مشحون از موارد خلاف واقعیت است که منبع و مآخذی جز سایتها و رسانه های مرتبط با بانیان غربی این

و غیره و غیره را نشنویم، میتوانید این اخبار را نگاه کنید و باز هم وقاحت و پروریی بخرج داده و چنین راحت در مورد بهبود اوضاع در ایران حرف بزنید و سازمان ملل را بدلیل "سیاه نمایی" محکوم کنید؟

آیا خجالت نمی کشید که در آن جامعه مشتکی دزد و برادران حزب الهی شما با غارت و چپاول و بالا کشیدن میلیاردها دلار پول، از لجنی که ساخته اید ارتزاق میکنند و کارگر شریف و زحمتکش آن جامعه ماهها حقوق دریافت نمیکند؟ در اثر بی کفایتی و بی لیاقتی همه شما میلیونها جوان بیکارند و سیاستهای ضد انسانی حکومت شما میلیونها نفر را یا معتاد و یا افسرده کرده و جامعه را با يك بحران عمیق اجتماعی روبرو کرده است؟ این يك جهنم واقعی است که شما اسلامیها و حکومت فاشیست اسلامی در ایران ساخته است، آیا این سیاه نمایی است؟ خجالت نمی کشید که در مقابل مردم ایران و در محضر جامعه ای پیشرفته و انسان دوست روزانه در زندانها میکشید و زندانی سیاسی را دق مرگ میکنید و از این زندان به آن زندان تبعیدشان میکنید، و زندگی را بر همه آنها به يك کابوس و جنگ دائمی با نهادهایی که حرف حالی شان نمیشود و فقط زورگویی میکنند، تبدیل کرده اید؟ همین

نفر- ارومیه ۷ نفر- عادل آباد شیراز ۳ نفر- قزوین ۱ نفر- بم ۱ نفر- رشت ۱ نفر- گچساران ۱ نفر - کرج ۷ نفر

حداقل ۲۴ نفر را در دو هفته در زندانها اعدام کرده اید، من صدای تعدادی از این اعدام شدگان و یا هم بندیهای آنها را دارم، سند از این مهمتر پیدا نمیشود. خجالت بکشید و با قیافه ای بیرحم و لبخندی مسخره بر لب، این نوع جملات کهنه شده نظیر "استفاده ابزاری و سیاسی از حقوق بشر میشود"، تحویل جامعه ندهید. اینها توجیحات نخ نمایی هستند که قبلاً هم جلادان در تاریخ و در همین ایران تحویل مردم داده اند.

جناب افخم همین امروز خبر رسید که پروین گراوند زن ۵۲ ساله کرمانشاهی در تاریخ ۱۷ آذر ماه پس از گذشت ۳ روز از تاریخ اعدام فرزند خود بنام فریدون خنجری، بر اثر تالمات روحی با طناب دار خود را حلق آویز کرد و به زندگی خود خاتمه داد. این فقط يك گوشه از وضعیت سیاهی است که حکومت شما بر مردم ایران تحمیل کرده است. روزی نیست که در ایران خبر از خودکشی جوانان و یا والدین بر اثر فقر و یا مرگ بر اثر آلودگی هوا و یا عدم دسترسی مردم به دکتر و بیمارستان بخاطر هزینه های بالای بهداشت و درمان در ایران

جناب مرضیه افخم سخنگوی وزارت خارجه دولت معتدل و ظاهراً "خوش خیم" اسلامی، در پاسخ به قطعنامه سازمان ملل و محکومیت نقض حقوق بشر در ایران، همان دروغهایی را تحویل جامعه و دنیا میدهد که اسلاف و پیشینیان این حکومت چند دهه است که آنرا تکرار میکنند.

جناب افخم میفرمایند: "در قبال وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران اغراق و سیاه نمایی صورت میگیرد" اگر این خانم جرات میکند همین حرف را بدون محافظ و پاسداران تا دندان مسلح در يك خیابان در تهران و چشم در چشم مردم و زنان و دانشجویان و مادران و پدران اعدام شدگان در همین دوره روحانی ابراز کند و ببیند مردم به او چه پاسخی میدهند.

آیا این سیاه نمایی است که همین يك هفته گذشته این همه جوان را در زندانهای قرون وسطایی تان اعدام کردید، گوشه‌ایتان را باز کنید! این افراد را شما در این دو هفته کشته اید. این البته آماری است که سازمانهای علیه اعدام از زندانها تهیه کرده و یا رسانه های حکومت شما آنها را اعلام کرده اند، هنوز اعدامهای زیادی هستند که اعلام نمیشوند و خبرش به ما نمیرسد. کرمانشاه يك نفر - زاهدان دو

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود